

پاسخ به شبهه آلوسی بر امامت امامان علیهم السلام بر اساس نقش «إِنَّمَا» در آیه ولایت

علی حسن‌بگی*

چکیده

مفسران شیعه آیه ۵۵ مائده مشهور به آیه ولایت را همواره برای اثبات ولایت حضرت علی علیه السلام مطرح کرده‌اند. برخی از مفسران اهل سنت بر این رویکرد تفسیری اشکال‌هایی را وارد نموده‌اند. آلوسی از مفسران اهل سنت بیان می‌کند که: لازمه تفسیر شیعه از آیه ۵۵ مائده، نفی امامت امامان دیگر شیعه است. مفسران شیعه به اشکال مذکور پاسخ‌هایی داده‌اند که به گمان نگارنده پاسخ‌های ارائه‌شده روشمند نبوده است. آخرین پاسخ مکتوب به شبهه آلوسی از زاویه «آئی بودن مفهوم مخالف آیه ولایت و عدم قابلیت تخصیص»، «مسلم پنداشتن امور غیر مسلم» و ... دارای نقص و چالش است. با کوششی که انجام شد، مشخص گردید پاسخ شبهه مذکور در گرو توجه به نقش «إِنَّمَا» در آیه مذکور است. گفتنی است شبهه آلوسی و پاسخ ارائه‌شده بر دلالت «إِنَّمَا» بر حصر حقیقی مبتنی است در صورتی که دقت در کاربردهای «إِنَّمَا» گویای حصر اضافی است. در نتیجه منطوق و مفهوم آیه با نفی امامت امامان علیهم السلام هیچ ارتباطی ندارد.

واژگان کلیدی

آیه ۵۵ مائده، آیه ولایت، آلوسی، حصر إِنَّمَا.

طرح مسئله

امامت و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام یکی از مهم‌ترین باورهای کلامی شیعه است. متکلمان، عالمان و مفسران شیعه در اثبات ولایت امام علی علیه السلام به آیات قرآن و احادیث زیادی استدلال کرده‌اند. از آیاتی که بر آن، به ولایت و امامت علی علیه السلام استدلال شده «آیه ولایت» (مانده / ۵۵) است. آیه مذکور یکی از مهم‌ترین دلایل قرآنی شیعه بر ولایت و امامت علی علیه السلام است. یکی از مفسران در قرن ششم می‌نویسد: آیه ولایت یکی از روشن‌ترین دلایل بر امامت بلافصل علی علیه السلام است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۷) از سوی دیگر، برخی از مفسران و متکلمان اهل سنت بر رویکرد تفسیری شیعه از آیه مذکور، ایرادها و شبهه‌هایی وارد کرده‌اند. آلوسی از مفسران اهل سنت در این زمینه إشکالی را به إشکال‌های قبلی افزوده است. او می‌گوید: لازمه تفسیر شیعه از آیه ولایت، نفی ولایت و امامت امامان دیگر شیعه است. پس از طرح این إشکال، عالمان و مفسران شیعه پاسخی به او داده‌اند. این نوشتار تلاش می‌کند با بررسی نقش محوری واژه «أَمَّا» در آیه ولایت، پاسخی روشمند به شبهه مذکور ارائه کند. همچنین در این نوشتار آخرین پاسخ مکتوب به شبهه آلوسی بررسی و ارزیابی می‌شود.

پیشینه استدلال به آیه ولایت بر اثبات امامت و ولایت امام علی علیه السلام، به زمان آن حضرت می‌رسد (حویری، بی‌تا: ۱ / ۶۴۵ - ۶۴۴) بعدها مفسران و متکلمان شیعه در کتاب‌های خویش به آیه مذکور بر اثبات امامت و ولایت علی علیه السلام استدلال کرده‌اند (طوسی، بی‌تا: ۳ / ۵۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۷) مفسران اهل سنت از آیه مذکور تفسیر دیگری ارائه و بر رویکرد تفسیری شیعیان إشکال‌هایی وارد کرده‌اند که در میان آنان فخر رازی بیشترین سهم را داراست (رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۳۸۴) آلوسی از مفسران اهل سنت در قرن سیزدهم، شبهه‌ای از سوی تسنن مطرح می‌کند که شبهه وی در میان شبهات اهل سنت دیده نشد و لذا اکنون در میان پژوهشگران تفسیر، به «شبهه آلوسی» موسوم شده است. پس از آلوسی، عالمان و مفسران شیعه به شبهه او پاسخی داده‌اند تا اینکه در سال ۱۳۸۶ یکی از نویسندگان طی تحقیقی تلاش کرد پاسخی نو و روشمند ارائه کند (ابراهیمی‌راد، ۱۳۸۶: ۱۱ - ۶) این نوشتار نیز در صدد پاسخی دیگر به شبهه آلوسی است.

مفهوم‌شناسی چند اصطلاح

بررسی شبهه آلوسی و پاسخ آن در گرو مفهوم‌شناسی اصطلاح «منطوق»، «مفهوم» و «تخصیص اکثر» است.

۱. منطوق

«منطوق» در اصطلاح دانش اصول عبارت است از معنایی که کلام به دلالت مطابقی یا تضمنی بر آن دلالت دارد؛ به سخن دیگر منطوق عبارت است از معنایی که به‌طور مستقیم از یک گزاره به ذهن می‌رسد. (مظفر، ۱۴۰۵: ۱ / ۱۰۱؛ محمدی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۸۵؛ قافی - شریعتی، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۵۵)

۲. مفهوم

«مفهوم» در اصطلاح دانش اصول به معنایی گفته می‌شود که در جمله بدان تصریح نشده، اما از آن فهمیده می‌شود و لازمه معنای اصلی جمله است، برای مثال معنای منطوقی جمله «ان جائك زيد فأكرمه» وجوب إكرام زيد بر فرض آمدن اوست. معنای مفهومی جمله مذکور، عدم إكرام زيد بر فرض نیامدن اوست (همان). مفهوم به دو قسم تقسیم شده است:

الف) مفهوم موافق

هرگاه مفهوم جمله از جهت نفی و اثبات مطابق با منطوق باشد آن را «مفهوم موافق» گویند. در مفهوم موافق حکم بیان‌شده در منطوق جمله، با حکمی که به‌عنوان مفهوم از آن فهمیده می‌شود، هم‌سنخ است. برای مثال در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَا تَقُلْ لَهُمْ أُفٍّ (إسراء / ۲۳)؛ به پدر و مادر أُفْ نگویید» منطوق جمله نهی أُفْ (آزار زبانی) گفتن است. مفهوم جمله نهی از آزار جسمی و زدن آنان. بنابراین مفهوم و منطوق جمله هر دو منفی است (قافی - شریعتی، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۴۹ - ۱۴۸)

ب) مفهوم مخالف

هرگاه حکم مفهوم از جهت نفی و اثبات با حکم منطوق، متفاوت باشد آن را مفهوم مخالف گویند؛ برای مثال گفته می‌شود:

«هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.» مفهوم مخالف آن این است که «تجسس با حکم قانون ممنوع نیست» (همان / ۱۵۰) گفتنی است همان‌گونه که منطوق جمله حجّت است و بر پایه آن می‌توان مقصود گوینده را کشف کرد، مفهوم موافق و مخالف نیز حجت است. آنچه که در میان عالمان اصول بحث‌انگیز شده این است که چه گزاره‌هایی مفهوم دارند؟ به‌نظر می‌رسد بیشتر عالمان اصول معتقدند گزاره‌ای که با «ادات حصر» از قبیل «إلا» و «إنما» همراه است از مفهوم برخوردار است.

شأن نزول آیه ولایت

به‌زعم مفسران و متکلمان شیعه و بسیاری از مفسران و متکلمان اهل سنت، آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست شما، تنها خدا و فرستاده او و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند؛ [همان] کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و درحالی که در رکوع‌اند، زکات می‌دهند» (مائده / ۵۵)؛ هنگامی درباره حضرت علی علیه السلام نازل شد که آن حضرت در حال رکوع، انگشتر خویش را به فقیر بخشید (بلخی، ۱۴۲۳: ۱ / ۴۸۶؛ طوسی، بی‌تا: ۳ / ۵۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۶ - ۳۲۵؛ حلی، ۱۴۰۷: ۳۶۸؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۳۳۸ - ۳۳۷؛ مجلسی، ۱۳۸۲: ۳۵ / ۲۰۶ - ۲۰۳؛ امینی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۳۱ - ۲۲۰؛ طبری، ۱۴۱۲: ۶ / ۱۸۷؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۴ / ۱۰۲؛ سیوطی، بی‌تا: ۲ / ۲۹۴ - ۲۹۳؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵ / ۲۷۰)

رویکرد شیعه به آیه ولایت

همان‌گونه که اشاره گردید؛ می‌توان گفت نزول آیه ولایت درباره حضرت علی علیه السلام میان شیعه و اهل سنت امری اتفاقی است (مجلسی، ۱۳۸۲: ۳۵ / ۲۰۵؛ امینی، ۱۴۱۶: ۲ / ۹۳ - ۹۱؛ شرف‌الدین، بی‌تا: ۱۶۳)؛ با این تفاوت که شیعه، آیه مذکور را دلیل بر ولایت و امامت علی علیه السلام دانسته؛ زیرا «إنما» بر حصر دلالت می‌کند و ولایت بر مسلمانان را در خدا، رسول و مؤمنان منحصر کرده و از دیگران نفی کرده است. کلمه «ولی» در این آیه به‌معنای دوست و یاری‌کننده نیست؛ چون ولایت به‌معنای دوستی و یاری‌کردن منحصر به کسانی نیست که نماز می‌خوانند و در حال رکوع زکات می‌دهند، بلکه طبق آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (توبه / ۷۱) مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند»، یک حکم عمومی است که همه مسلمانان را دربر می‌گیرد. از سوی دیگر روایات متعددی وارد شده که علی علیه السلام در حال رکوع انگشتر خود را به فقیری صدقه داد. بر این اساس آیه مذکور ولایت علی علیه السلام و نفی ولایت از دیگران را اثبات می‌کند (طوسی، بی‌تا: ۳ / ۵۶۰؛ حلی، ۱۴۰۷: ۳۶۸؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۳۳۸ - ۳۳۷؛ مجلسی، ۱۳۸۲: ۳۵ / ۲۰۵ - ۲۰۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳ / ۸۳؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۵: ۴ / ۵۲۳)؛ ولی اهل سنت این آیه را دال بر ولایت و امامت علی علیه السلام ندانسته‌اند.

آلوسی و اشکال بر رویکرد تفسیری شیعه به آیه ولایت

آلوسی پس از نقل استدلال شیعه از آیه ولایت بر اثبات ولایت علی علیه السلام؛ می‌نویسد: اهل سنت به استدلال شیعه پاسخ داده‌اند. توضیح آنکه لازمه استدلال شیعه بر اثبات امامت و ولایت علی علیه السلام نفی ولایت و امامت دیگران (أبوبکر، عمر و عثمان) و همچنین نفی ولایت و امامت امام حسن علیه السلام، امام حسین و سایر امامان شیعه است؛ به‌عبارت دیگر، لازمه حصر حقیقی در آیه ولایت، انحصار ولایت در علی علیه السلام و نفی امامت از أبوبکر، عمر، عثمان، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و سایر امامان شیعه است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۴۴)

پاسخ به شبهه آلوسی

عده‌ای از عالمان و مفسران شیعه، به شبهه آلوسی پاسخ‌هایی داده‌اند که آن پاسخ‌ها از سوی برخی از نویسندگان (ابراهیمی‌راد، ۱۳۸۶: ۶ - ۴) نقد و بررسی شده است. قابل یادآوری است در ذیل صرفاً به طرح و بررسی یک پاسخ از پاسخ‌هایی که به شبهه آلوسی داده شده، پرداخته می‌شود:

«اِنْمَا» در آیه ولایت بر حصر حقیقی دلالت و صرفاً امامت علی علیه السلام را اثبات می‌کند و امامت سایر امامان، از طریق روایات (دلیل خاص) اثبات می‌شود. (طیب، ۱۳۷۸: ۴ / ۴۰۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳ / ۱۱۵ و ۱۳۵)

نویسنده‌ای ضمن اِدْعَان به دلالت «اِنْمَا» بر حصر حقیقی (ابراهیمی‌راد، ۱۳۸۶: ۳)؛ در نقد پاسخ مذکور می‌نویسد: این جواب در جواز تخصیص عمومات قرآن، گرچه صحیح است؛ برای پاسخ به إشکال آلوسی کافی نیست؛ زیرا ممکن است گفته شود: تمامی روایاتی که بر امامت سایر ائمه دلالت دارند، بر اثر مخالفت با مفهوم آیه ولایت از اعتبار ساقطاند؛ چون اگر منطوق این آیه (برأساس مدعای شیعه) انحصار امامت بعد از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام متعلق باشد؛ مفهومی نفی امامت از دیگران است؛ در نتیجه آن روایات مخالف این مفهوم می‌شوند و روایت مخالف قرآن؛ چه مخالف منطوق قرآن و چه مخالف مفهوم قرآن از اعتبار ساقط است (همان: ۵ - ۴) این نویسنده معتقد است پاسخ مذکور به شبهه آلوسی ناکافی است و به تکمله‌ای نیاز دارد. او در ادامه تلاش می‌کند پاسخ صحیحی به شبهه آلوسی دهد و می‌نویسد: قبل از پاسخ دادن به إشکال مذکور، بیان چند مقدمه لازم است:

۱. در علم اصول ثابت شده است که کلمه «اِنْمَا» که از أدات حصر است، دارای مفهوم است؛ یعنی به دلالت التزامی (لزوم بین به معنی الأخص) بر انتقای حکم از غیر موضوع موجود در جمله دلالت دارد؛ چنان‌که با دلالت مطابقی بر انحصار حکم به آن موضوع دلالت دارد.

۲. از مباحث مهمی که در علم اصول فقه مطرح می‌شود، بحث «عام و خاص» است. براساس این بحث، اگر گوینده جمله‌ای بگوید که مفاد آن جمله «عام» باشد و سپس جمله دیگری بگوید که مفادش «خاص» بوده و در ظاهر با آن عام منافات داشته باشد؛ آن جمله عام به وسیله این جمله خاص «تخصیص» می‌خورد و گفته می‌شود: از همان ابتدا مقصود اصلی گوینده، عموم نبوده، بلکه همین خاص مقصود او بوده است. از این طریق بین آن دو جمله رفع تنافی می‌شود.

۳. اکثر علمای اصول بر این اعتقادند که عموم قرآنی را می‌توان با اخبار واحد معتبر تخصیص زد.

۴. در جواز تخصیص عمومات قرآن با اخبار متواتر یا اخبار واحد، بین منطوق قرآن و مفهوم آن - در صورتی که مفهوم داشته باشد - تفاوتی نیست؛ یعنی همان‌طور که می‌توان منطوق یک آیه عام را با خبر متواتر خاص یا خبر واحد خاص، تخصیص زد؛ می‌توان مفهوم یک آیه عامی را با خبر متواتر یا واحد تخصیص زد؛ زیرا مفهوم یک آیه مانند منطوقش، قرآن محسوب می‌شود و حجت است. از این رو، اگر مفهوم یک آیه عام بود، تخصیص آن با خبر متواتر خاص یا خبر واحد خاص جایز است و لذا با توجه به مقدمات یادشده، در جواب إشکال آلوسی می‌توان گفت:

اولاً: این آیه اصلاً به زمان‌های بعد ناظر نیست؛ زیرا واضح است که حاکمیت و سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام به همه زمان‌ها مربوط نیست، بلکه حاکمیت آنان به زمان حضور خود آنان مربوط است. بر این اساس، ظهور آیه ولایت در این است که در این زمان؛ یعنی زمان نزول آیه، ولایت و حاکمیت در خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام منحصر است. در نتیجه در این زمان افراد دیگری غیر از اینها صلاحیت سرپرستی و حاکمیت بر مردم را ندارند؛ یعنی در این زمان در میان افرادی که الان موجودند و می‌توانند حاکم باشند، فقط خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام است که صلاحیت سرپرستی را دارند و واضح است که حاکمیت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بالفعل و حاکمیت علی علیه السلام بالقوه و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است. پس آیه به زمان‌های بعد از حضرت علی علیه السلام ناظر نیست تا با امامت سایر ائمه که امامت آنها به زمان‌های بعد مربوط است، منافات داشته باشد؛ در واقع آیه نسبت به زمان‌ها بعد ساکت است.

ثانیاً: بر فرض اینکه آیه ولایت به زمان‌های بعد هم ناظر باشد؛ باز این آیه با ولایت سایر ائمه علیهم السلام منافاتی ندارد و حاکمیت و سرپرستی آنان را نفی نمی‌کند؛ چون کلمه «اِنْمَا» در آیه ولایت، به «دلالت مطابقی» بر انحصار سرپرستی و حاکمیت در خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و به دلالت التزامی بر نفی حاکمیت از غیر آنها (سایر امامان شیعه و افراد و خلفای دیگر) دلالت می‌کند. پس، مفهوم این آیه عام است؛ یعنی سایر امامان شیعه و افراد و خلفای دیگر را شامل می‌شود و امامت و حاکمیت همه آنها را نفی می‌کند.

روایاتی که به‌عنوان اخبار متواتر یا حداقل به‌عنوان اخبار واحد معتبر بر امامت سایر امامان شیعه دلالت دارند؛ خاص بوده و خصوص امامت سایر امامان شیعه را ثابت می‌کنند. این روایات خاص، مفهوم عام آیه ولایت را که امامت از دیگران

را نفی می‌کرد؛ تخصیص می‌زنند.

در نتیجه، امامت سایر امامان شیعه از عموم مفهوم آیه ولایت خارج شده و آن مفهوم، شامل آنان نمی‌شود و تنها افراد و خلفای دیگر مشمول آن مفهوم می‌گردند و حاکمیت آنان توسط آن مفهوم، نفی می‌شود. بر این اساس، مفاد آیه ولایت، گویای انحصار امامت و حاکمیت در خدا و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت علی علیه‌السلام و نفی آن از دیگران است. روایات اثبات‌کننده امامت سایر ائمه علیهم‌السلام با مفهوم آیه ولایت، مخالف نمی‌باشد؛ چون نسبت این روایات با آیه ولایت، نسبت «عام و خاص» است و از طریق تخصیص قابل جمع‌اند و با یکدیگر منافاتی ندارند. (همان: ۱۰ - ۷)

بررسی

تلاش ناقد و نویسنده محترم در ارائه پاسخی روشمند به شبهه آلوسی ستودنی است، اما چند نکته قابل تأمل وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱. مدلول التزامی و بُیْتِ دلیل

مهم‌ترین نکته‌ای که ناقد محترم در مقاله خود در صدد پاسخ به شبهه آلوسی بر آمده، عبارت است از تخصیص مفهوم مخالف آیه ولایت، توسط احادیث است؛ به عبارت دیگر از دیدگاه ناقد محترم کلید حل شبهه آلوسی بر دلالت آیه ولایت بر امامت علی علیه‌السلام، در تخصیص مفهوم مخالف این آیه بر پایه احادیث است. توضیح آنکه آلوسی می‌گفت: اگر آیه ولایت بر حصر ولایت و امامت علی علیه‌السلام دلالت کند، در این صورت لازمه‌اش نفی ولایت و امامت امامان شیعه است. به نظر می‌رسد ناقد محترم از مدلول التزامی‌ای که آلوسی به آن تصریح کرده، «عموم» فهمیده است؛ زیرا روایات دال بر امامت امامان را مُخَصِّص آن عموم می‌داند که صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً، آلوسی از مفهوم عام سخنی نگفته، بلکه او گفته است لازمه تفسیر شیعه از آیه ولایت، نفی امامت از امامان علیهم‌السلام است، ثانیاً اگر بپذیریم که مقصود آلوسی عموم بوده است، باید توجه کرد مفهومی که آلوسی به آن تصریح کرده، مدلول التزامی است که قابلیت تخصیص ندارد؛ زیرا مفهوم مخالف یا همان مدلول التزامی (مشکینی، ۱۴۲۱: ۲۵۰)، دلیل لُبی تلقی می‌شود که می‌بایست به قدر مُتین بدان بسنده کرد. در نتیجه مفهوم مخالف، قابلیت عموم و اطلاق ندارد. لذا مطرح کردن تخصیص و تقیید صحیح نیست؛ به عبارت دیگر، مفهوم مخالف، دلیل لفظی نیست تا عموم و اطلاقی شکل گیرد. توضیح آنکه مدلول التزامی به دلیل اینکه یکی از مصادیق و افراد دلالت التزامی است و دلالت التزامی از اقسام دلالت عقلی است (ساوی، ۱۳۱۶: ۷؛ شهابی، ۸۰: سبحانی، ۱۴۱۰: ۱ / ۱۵۵؛ خمینی، ۱۴۱۸: ۳ / ۵)؛ اطلاق و عمومی شکل نگرفته است تا بتوان آن را تخصیص زد. گفتنی است بر مبنای کسانی که دلالت «شرط»، «وصف»، «غایت» و «حصر» بر مفهوم مخالف را بر پایه بنای عقلا می‌دانند (منتظری، ۱۳۷۵: ۲۶۶)، لُبی بودن مفاهیم و از جمله مفهوم حصر روشن‌تر است. در نتیجه مفهوم حصر عموم و اطلاقی ندارد تا نوبت به تخصیص برسد.

۲. اختلاف در حجیت روایات تفسیری

ناقد محترم معتقد است احادیثی که بر امامت سایر امامان دلالت می‌کند (متواتر و واحد) مُخَصِّص مفهوم عام آیه است؛ در نتیجه از راه تخصیص به شبهه آلوسی پاسخ می‌دهد، درستی این پاسخ، در گرو تواتر احادیثی است که بر امامت امامان علیهم‌السلام دلالت کند و الا در صورت غیر متواتر بودن آن احادیث، این پاسخ از سوی کسانی که احادیث غیر متواتر تفسیری را حجت نمی‌دانند (کاشانی، ۱۳۷۰: ۱ / ۱۹ و ۲۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۴ / ۱۴۴ و ۱۳۵۳: ۳۲ - ۲۹ و ۱۰۱)؛ تمام نیست در نتیجه چنین احادیثی نمی‌توانند مخصّص مفهوم عام آیه ولایت باشد.

۳. «إنما» و دلالت بر حصر

قابل یادآوری است که شبهه آلوسی و پاسخ به آن بر پایه دلالت «إنما» بر حصر حقیقی است؛ در صورتی که از پیشینیان، نحویان بصره، أبوحیان، آمدی، فخر رازی و برخی از معاصران، دلالت «إنما» بر «حصر» را قبول نکرده‌اند (ابن هشام، بی‌تا: ۵۹؛ سیوطی، بی‌تا: ۳ / ۱۶۸؛ شوکانی، بی‌تا: ۳ / ۱۷۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۳۸۶؛ روحانی، ۱۴۱۳: ۱۴ / ۲۷۶؛

خمینی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۸۶) گفتنی است یکی از عالمان معاصر، دلالت «إنما» بر حصر را از سوی پیشینیان انکار کرده و صرفاً آن را رویکرد عده‌ای از متأخران دانسته است. (خمینی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۸۶)

رویکرد نگارنده

با بررسی پاسخ‌هایی که به شبهه آلوسی درباره آیه ولایت داده‌اند روشن گردید هیچ‌یک از آنها شایستگی پاسخ را ندارند. اکنون به‌نظر می‌رسد توجه به دو نکته ذیل می‌تواند زمینه پاسخ به شبهه آلوسی را فراهم کند:

۱. شبهه آلوسی و پاسخ ناقدان بر دلالت «إنما» در آیه ولایت، بر حصر حقیقی مبتنی است اما به‌نظر می‌رسد تلقی دلالت «إنما» بر حصر حقیقی، بر پایه سخن گفتن گوینده در «خلاً» شکل گرفته است. توضیح اینکه اگر ما بپذیریم گوینده دانا هنگام سخن گفتن، ذهنیات، باورها و پیش‌فرض‌ها مخاطب یا مخاطبان را در نظر می‌گیرد و بر پایه آنها، واژه‌ها را در کنار هم قرار داده و به‌ایزاز مطلب خود می‌پردازد، آن‌گاه می‌توان گفت: گوینده وقتی متوجه می‌شود که مخاطب یا مخاطبان دچار اشتباه و توهمی شده‌اند، از «إنما» که از آداب حصر است،^۱ استفاده می‌کند. برای مثال وقتی گوینده متوجه شده که مخاطب، غیر «زید» را نویسنده می‌داند، به او می‌گوید: «إنما الکاتب زید»؛ یعنی دیگران، آدای کتابت را در می‌آورند و کاتب فقط زید است. از سوی دیگر قرآن کریم کلام است و بر پایه شرایط مخاطبان نازل شده است. در آیه ولایت نیز خدای متعال به مسلمانان گوشزد می‌کند که «ولی» شما شیخ قبیله و فلان شخص متنفذ نیست، بلکه «ولی» شما به سه نفر منحصر است؛ به عبارت دیگر تقسیم حصر به حقیقی و اضافی، صرفاً ذهنی است؛ و الا دقت در کاربردهای «إنما» و توجه به محاورات عرفی، گویای حصر اضافی است و حصر حقیقی در یک صورت تصور دارد و آن اینکه گوینده در «خلاً» سخن گوید. بر پایه این توضیح می‌توان گفت که حصر در آیه ولایت اضافی و بر نفی افرادی از قبیل شیخ قبیله و فلان شخص ثروتمند ناظر است. در نتیجه بر نفی امامت امامان ناظر نیست. لذا به‌نظر می‌رسد در تفسیر آیه ولایت، حق با مفسران و عالمانی است که دلالت «إنما» بر حصر در آیه ولایت را اضافی می‌دانند. (طوسی، بی‌تا: ۳ / ۵۶۰؛ اردبیلی، بی‌تا: ۱ / ۱۰۸؛ آصف محسنی، ۱۴۲۸: ۳ / ۲۳۶)

۲. گفتنی است «ولی» صفت مشبیه است و صفت مشبیه بر ثبوت وصف در زمان حاضر دلالت می‌کند و بر آینده ناظر نیست. (سکاکی، ۱۴۰۷: ۵۰؛ ابن‌هشام، بی‌تا: ۵۹۸) از سوی دیگر، واژه «ولی» با «إنما» که بر حصر دلالت می‌کند در این آیه همنشین است. در نتیجه آیه ولایت دلالت می‌کند که ولایت منحصر است برای علی علیه السلام در زمان حاضر و لازمه‌اش نفی ولایت از دیگر کسانی است که با علی علیه السلام معاصر هستند. بر این پایه، آیه ولایت بر نفی ولایت از افرادی که بعد از حضرت علی علیه السلام می‌آیند ناظر نیست؛ به عبارت دیگر، ولی صفت مشبیه است و صفت مشبیه دال بر حدّثِ ثبوتی است. قابل یادآوری است ثبوت، بر ماندگاری دلالت ندارد بلکه مقابل اسم فاعل و اسم مفعول است که بر حدّثِ حدوثی دلالت می‌کند. لذا ثبوت در کنار حصر حقیقی^۲ یعنی ولایت، برای علی علیه السلام ثابت و چنین ولایتی به کسانی که هم اکنون در معرض ولایت هستند، ثابت نیست، بنابراین نمی‌توان گفت آیه ولایت دلالت می‌کند بر نبودن ولایت آیندگان، بلکه اصلاً به ولایت آیندگان ناظر نیست؛ به عبارت سوم، مدلول مطابقی آیه - با توجه به دلالت «إنما» بر حصر حقیقی و صفت مشبیه بودن ولی - عبارت است از حصر ولایت در علی علیه السلام و مدلول التزامی آن عبارت است از نفی ولایت و امامت در همان زمان نزول آیه، از کسانی که در معرض ولایت هستند.

نتیجه

از دقت در شبهه آلوسی بر تفسیر شیعیان از آیه ولایت و پاسخ‌های ارائه شده و همچنین دقت در محاورات عرفی نتایج ذیل ملاحظه می‌شود:

۱. این پاسخ بر این نکته مبتنی است که دلالت «إنما» بر حصر، پذیرفته شود. قابل یادآوری است که حصر ولایت در آیه شریفه را می‌توان از معرفه بودن خبر (ولیکم) استنباط کرد.

۲. توجه به این نکته روشن می‌کند که حتی بر مبنای کسانی که «إنما» را دال بر حصر حقیقی می‌دانند نیز آیه ولایت ناظر به بعد از علی علیه السلام نیست.

(الف) شبهه آلوسی و پاسخ مفسران شیعه، همگی بر پایه دلالت «إنما» بر حصر حقیقی است.
(ب) پاسخ ناقد اخیر، با چالش‌هایی از قبیل عدم قابلیت تخصیص مفهوم آیه ولایت و مسلم پنداشتن امور غیر مسلم (دلالت إنما بر حصر، مخصّص بودن احادیث تفسیری) روبه‌رو است.
(ج) توجه به کاربردهای إنما و محاورت عرفی از سویی و از سوی دیگر، گوینده را در خلأ فرض نکردن، هر دو گویای دلالت «إنما» در آیه ولایت، بر حصر اضافی است؛ در نتیجه شبهه از اساس و پایه‌ای محکم برخوردار نیست؛ به عبارت دیگر کلید حل شبهه آلوسی در توجه به کاربردهای إنما و محاورت عرفی از سویی و از سوی دیگر متکلم را در شرایط واقعی دیدن است.
(د) حتی اگر بپذیریم که «إنما» بر حصر حقیقی دلالت می‌کند؛ به‌دلیل همنشینی صفت مشبهه با آن، بر نفی ولایت افراد بعد از عصر علی علیه السلام ناظر نیست؛ به عبارت دیگر آلوسی از همنشینی «إنما» با صفت مشبهه غفلت و در نتیجه تصور کرده که لازمه تفسیر شیعیان نفی امامت امامان علیهم السلام است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابراهیمی‌راد، محمد، ۱۳۸۹، نقد شبهه آلوسی بر امامت ائمه علیهم السلام در آیه ولایت، مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۴، ص ۱۲ - ۱، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن‌هشام، عبدالله بن یوسف، بی‌تا، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، تبریز، بنی‌هاشم.
- آردبیلی، أحمد بن محمد، بی‌تا، زیادة البیان فی أحكام القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- امینی، عبدالحسین، ۱۴۱۶ ق، القدير، قم، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- تفتازانی، مسعود بن عمر، ۱۴۰۹ ق، شرح المقاصد، قم، منشورات الشریف الرضی.
- جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، أحكام القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، تسنیم، قم، إسرائ.
- جلی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۷ ق، کشف المراد، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- حویزی، عبدعلی، بی‌تا، تفسیر نورالثقلین، تهران، دار الکتب العلمیة.
- حیدری، علی‌نقی، ۱۴۱۸ ق، أصول الاستنباط، بیروت، دار السیرة.
- خمینی، سید مصطفی، ۱۴۱۸ ق، تحریرات فی الأصول، بی‌جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- روحانی، محمدصادق، ۱۴۱۳ ق، فقه الصادق، قم، دار الکتب.
- ساوی، عمر بن سهلان، ۱۳۱۶ ق، البصائر النصیریة فی علم المنطق، بولاق.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۱۰ ق، تهذیب الأصول، قم، دار الفکر.
- سکاکی، یوسف بن ابی بکر، ۱۴۰۷ ق، مفتاح العلوم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- سیوطی، جلال‌الدین، بی‌تا، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دار المعرفة.
- سیوطی، عبدالرحمن، الإیتقان فی علوم القرآن، بی‌تا، قم، منشورات الشریف الرضی، بیدار و عزیزی.
- شرف‌الدین، عبدالحسین، بی‌تا، المراجعات، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- شهابی، محمود، بی‌تا، تقریرات أصول، بی‌جا، بی‌نا.
- شوکانی، محمد بن علی، بی‌تا، نیل الأوطار من أحادیث سید المختار، بیروت، دار الجیل.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۵۳، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۲، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طبیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۴۲۲ ق، اللوامع الإلهیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قافی، حسین و سعید شریعتی، ۱۳۸۹، أصول فقه کاربردى، تهران و قم، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۷۰، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۲، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- محسنی، محمدآصف، ۱۴۲۸ ق، صراط الحق، قم، ذوی القربی.
- محمدی، علی، ۱۳۷۱، شرح أصول الإستنباط، قم، مؤلف.
- مشکینی، علی، ۱۴۲۱ ق، إصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم، الهادی.
- مظفر، محمدرضا، ۱۴۰۵ ق، أصول الفقه، بی جا، دانش اسلامی.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۵، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۵، نهاية الأصول، بی جا، بی تا.

